

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال سوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۰

سال سوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۱

جنگ و کودکی در آثار قیصر امین پور* (علمی- پژوهشی)

دکتر مجید بهره‌ور

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج

مریم نیکخواه

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان

چکیده

در جنگ تحمیلی عراق و حامیانش علیه مردم ایران (۱۳۵۹-۱۳۶۷ ه.ش.)، علاوه بر آسیب به تأسیسات و امکانات کشور و نیز شهادت بسیاری از هموطنان رزمنده، به جسم و جان غیرنظامیان، از جمله زنان و کودکان بی‌دفاع هم، آسیب‌های جبران‌ناپذیری رسید. تحلیل بازتاب هنری رویداد و گزارش مقاومت مردم، به ویژه از زبان نویسندگان و شاعرانی که مسائل جنگ را تجربه کرده‌اند، بسیار آموزنده است.

قیصر امین‌پور (۱۳۳۸-۱۳۸۶ ه.ش.) از نخستین و توانمندترین گروه نویسندگان و شاعرانی بود که جنگ تحمیلی را در آثارشان به تصویر کشیده‌اند و از چهره‌های برجسته ادبی معاصر، هم در زمینه ادبیات کودک و نوجوان و هم در حوزه شعر مقاومت به شمار می‌آید. هدف از تحلیل گزاره‌های ادبی او، پاسخ به این پرسش‌ها است که جنگ با کودکان چه می‌کند و کودکان چه واکنشی در برابر جنگ از خود نشان می‌دهند؟ مسئله مورد پژوهش نیز نسبت میان دو مفهوم جنگ و کودکی، آن هم نه در میدان رزم، بلکه از میان آثار امین‌پور است که با رویکرد میان‌رشته‌ای بررسی می‌شود. مجموع نظر و هنر امین‌پور، اجمالاً نشان می‌دهد که او در کنار روایت پایداری‌ها و دلوری‌ها، از بیان نیازها و آزرده‌گی‌های کودکان غافل نیست.

واژگان کلیدی: ادبیات، مطالعات میان‌رشته‌ای، قیصر امین‌پور، جنگ، کودکی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۷

نشانی پست الکترونیک نویسنده: Bahrevar.majid@gmail.com

مقدمه

اگر از جنگ و جدال‌های در طول تاریخ بگذریم، حیات بشر در قرن بیستم شدیداً به خطر افتاده است. بنابر آنچه گفته‌اند، تنها در جنگ‌های کوچک و بزرگ اخیر، حدوداً دو میلیون کودک کشته شده‌اند و از دیگر تبعات آن، برجای ماندن چهار میلیون کودک مجروح و دوازده میلیون کودک پناهنده و آواره است. (قاسم‌زاده، ۱۳۸۱: ۸-۱۱)

جنگ تحمیلی، حادثه‌ای هولناک و البته آموزنده بود که از زن و مرد تا پیر و جوان را درگیر کرد. در کنار اثبات توان رزمی و پیوند مردمی، همه در این جنگ به نوعی آسیب دیدند. شهرها و روستاهای بسیاری با خاک یکسان شد، حریم امن آن به صحنه حریق متجاوزان تبدیل شد و افزون بر شهادت مبارزان دلاور، انسان‌های بی‌دفاع و بی‌گناه بسیاری، به ویژه زنان و کودکان، قربانی شدند. امین پور از جمله کسانی بود که آن جنگ خونین و مقاومت جانانه را در ولایتش مستقیماً تجربه کرد و تحصیل در رشته جامعه‌شناسی را در اوج حماسه‌ها و دلاوری‌ها، ناتمام رها کرد چرا که معتقد شد:

باید زمین گذاشت / قلم‌ها را / دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست / باید سلاح تیزتری برداشت / باید برای جنگ / از لوله تفنگ بخوانم / - با واژه فشنگ - (امین پور، ۱۳۸۳: ۲۰)

با وجود این، او چه بسا بیشتر و بهتر از یک جامعه‌شناس و در عین حال، مؤثرتر از یک شاعر، توانست هم به تبیین پایداری‌ها و آرمان‌های دفاع از میهن و هم به توصیف صدمات و فجایای جنگی پردازد و بهتر دید که آثارش نیز در همدردی خونینی با مصیبت‌دیدگان، جنگ‌زده و خاک‌آلود بنماید و پیوسته از این پس، شعر خشم بگوید / شعر مقاومت / شعر فصیح فریاد / - هر چند ناتمام - (همان: ۲۱)

در کاوش نسبت میان جنگ و کودکی، پیشینه‌چندانی در پژوهش‌های ادبی ایران دیده نمی‌شود، مگر در حوزه آفرینش ادب داستانی، بتوان به آثاری برای نمونه، از حسین فتاحی و دیگر مجموعه‌ها اشاره کرد. البته نوشته‌هایی مرتبط با

موضوع، در دیگر زبان‌ها به صورت شعر و داستان و نیز مقاله یا کتاب موجود است. پیشینه روش پژوهشی در خارج از حوزه ادبی، به‌ویژه آنچه در خلال دو جنگ جهانی و پس از آن انجام شده است، بسیار سودمند است. تنها پیامد انسانی آن دو جنگ، مرگ و معلولیت میلیون‌ها نفر بود که متأسفانه، گروه‌های مختلف سنی کودکان، بخش عمده‌ای را تشکیل می‌دادند. افزون بر فجایا و آسیب‌های یادشده، حتی اگر از عوارض مخرب تسلیحات شیمیایی و بیولوژیکی هم بگذریم، روان‌رنجوری‌های (Neurosis) گونه‌گون، از جمله ضربه‌های روانی (Psychic Trauma) و علائم اضطراب (Distress Symptom) در بین کودکان کم نیست. کتاب «جنگ و کودکی» (۱۹۴۳)، موفقی است که هم به تأثیرات مخرب جنگ بر کودکان و هم مراقبت روانی از ایشان در روزگار صلح می‌پردازد. نمونه‌هایی نیز در زمینه جنگ تحمیلی انجام یافته است که غالباً حاصل کار روان‌پزشکان و روان‌شناسان بالینی است.

با این همه، کمتر توجهی به پیوند این دو حوزه هنری و دغدغه فکری امین‌پور، شده است و به‌طور خاص، در برخورد و برهم‌کنش مفهوم کودکی و جنگ در آثار مؤلف، پژوهشی روشمند و جدی صورت نگرفته است. در آغاز کار، شایسته است که بر تعاریفی از جنگ و کودکی تأکید کنیم تا نوع، دامنه و روش کار تبیین گردد. از آنجا که روش مؤثر برای پاسخ به مسئله، میان‌رشته‌ای است، از اخذ برخی مبانی نظری دیگر رشته‌ها ناگزیریم؛ به‌ویژه در مسائل جهان‌شمول و انکارناشدنی از نوع تأثیر ناگواری‌های جنگ بر رشد روانی کودکان. در این‌جا از تعاریف متعدد سیاسی، اقتصادی و حقوقی برای پدیده جنگ عبور می‌کنیم و بنا بر محدودیت مقال و تناسب موضوع، از ابعاد اجتماعی و بیشتر روانی، به مسائل جنگ در آثار امین‌پور می‌نگریم.

به اختصار و با توجه به شیوه‌های رفتار انسانی، می‌توان جنگ را برخاسته از غریزه پرخاشگری بشر دانست؛ البته بشری که - به عقیده زیگموند فروید (Sigmund Freud) و آلفرد آدلر (Alfred Adler)، در ساختار غرائزش، تمایل به نابود کردن خود، مرگ و نیز تمایل به کسب قدرت نهفته است. (می‌یر،

۱۳۷۶: ۱۲) اما منظور ما از کودک و کودکی، نه صرفاً به معنای متعارف خردسال بلکه دوره‌ای است از حیاتِ شخص، میان تولد و بلوغ و به عبارتی بهتر، تا زمانی که رشد روانی و نموّ بدنی فرد، کامل نشده باشد. بنا بر تعریف آرنولد گزل (Arnold L. Gesell)، روان‌شناس مشهور کودکان، می‌توان گفت که این رشد و تکامل در ۲۴ یا ۲۵ سالگی به انجام می‌رسد. (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۶۹)

۱. پیوند جنگ و کودکی در نظر امین پور

زبان و بیان امین پور، آنچنان به مایه‌های روانی، سادگی و صمیمیت آمیخته است که غالباً از واژگان و عناصر خیال کودک و نوجوان لبریز شده است؛ مخصوصاً واژگانی از قبیل ضرب، حساب، مساحت، محیط، خطوط و رسم (امین پور، ۱۳۸۳: ۳۱)، معلم، کلاس، تخته سیاه، تاریخ، جغرافیا، دیکته و انشا (امین پور، ۱۳۸۶ ج: ۵۵-۵۸)، پاک‌نویس، خط‌خطی، پاک‌کن، مشق، سرِ سطر، مدرسه، حاضر، غایب و... (امین پور، ۱۳۸۵ ج: ۲۶-۲۹) و آنچنان که گفته شده است به سختی می‌توان مرز مشخصی میان مخاطبان کوچک و بزرگ آثارش تعیین کرد و به نظر می‌رسد که این «مضامین مدرسه‌ای»، بازمانده‌ای از دوران شکل‌گیری شخصیت فردی و سرآغاز هنری مؤلف باشد. (رجب‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۵۲ و ۱۶۱) به همین دلیل، نیز در برداشتی گسترده‌تر، تمام آثار امین پور را حلقه‌ای بین مخاطب نوجوان و ادبیات بزرگسالان دانسته و گفته‌اند که محتوای آثار امین پور در زمینه ادبیات کودک و نوجوان، همان حرف‌های انسانی همیشگی است و فقط زبان، و کمی هم نگاه، فرق دارد. (رحمان دوست، ۱۳۸۶: ۴۳)

از سویی دیگر، امین پور علاوه بر نمایش دفاع مردمی و شهادت دلیرمردان سرزمین، در مجموعه سروده‌های «در کوچه آفتاب» (۱۳۶۳)، «تنفس صبح» (۱۳۶۳)، و البته با رویکردی متفاوت، در مجموعه‌های «آینه‌های ناگهان» (۱۳۷۲)، «گل‌ها همه آفتابگردانند» (۱۳۸۰) و «دستور زبان عشق» (۱۳۸۶)، مسائلی چون جنگ‌زدگی، آوارگی، بی‌سرپرستی، نگرانی و درگذشت کودکان را همچون

نمایشگاهی از دردواژه‌ها، خون‌نگاره‌ها و جان‌سپاری‌های آن رویداد و پیامدهایش، با زبان و نگاه انسانی بیان کرده است.

همچنین به مجموعه آثار فوق، باید فعالیت‌های ادبی دیگری نیز افزود که از توجه هنری و حرفه‌ای امین‌پور به مخاطب کودک و نوجوانان، حکایت دارد. ادبیات در این مفهوم، شامل همه خواندنی‌هایی است اعم از متون ادبی، علمی و هنری که برای کودکان و نوجوانان و در حد فهم و استعداد آنان، گردآوری و تدوین شده است، جنبه درسی ندارد و امور و مسائل گوناگون کودکان را به زبان ایشان و به طور غیر مستقیم، مطرح می‌کند. (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۸۹) این دسته از آثار، در مجموعه‌های «به قول پرستو» (۱۳۷۵)، «بی‌بال پریدن» (۱۳۷۰)، «مثل چشمه، مثل رود» (۱۳۶۸) و «منظومه ظهر روز دهم» (۱۳۷۳) گردآمده است؛ به همراه آثار پراکنده، به ویژه در نشریه سروش نوجوان. افزون بر این، از امین‌پور کتابی با عنوان «شعر و کودکی» در دست داریم که دیدگاه‌های روان‌شناسانه‌اش را در برخورد دوسویه فضاهای شاعرانه و کودکانه بیان کرده است.

۲. برخورد جنگ با کودکان

برخورد دوسویه جنگ و کودکی در آثار امین‌پور، یکدست و یکسان نیست و متعلق به دوره‌های مختلف زندگی اوست و پیام هر کدام، الزاماً با در نظر گرفتن فضای زمانی و بستر مکانی آن، قابل تحلیل درست خواهد بود، البته پیوند مفهومی دو مسئله فوق در آثار امین‌پور، تنها به بازتاب جنگ تحمیلی محدود نمی‌شود و گاه در خلال مبارزه با رژیم پهلوی و گاه مقاومت مردم صلح‌جوی فلسطین (کبوتران) در برابر اشغالگران صهیونیست (کرکس‌ها)، (امین‌پور، ۱۳۸۵: ج ۳۵-۳۳) از کودکان سخن می‌گوید اما در مجموع، دغدغه عمده و مسئله اصلی امین‌پور، برخورد کودک ایرانی با جنگ تحمیلی است؛ آن هم در سه برهه:

الف - جنگ و پایداری؛

ب - صلح و سازندگی؛

ج- پیامد جنگ، از جمله مهاجرت، وضعیت جانبازان، مفقودین و تبادل اُسرا.

در اینجا، به محتوای آثار مؤلف نظری می‌افکنیم. در این نمونه‌ها، اگرچه امین پور به ظاهر راوی بیرونی ماجرای برخورد جنگ و کودکان است، می‌توان پیام‌های انسانی، عواطف صمیمانه و تأملات فلسفی‌اش را از باطن گزاره‌ها دریافت. از پیام‌های مندرج در گزاره‌ها، چنین برمی‌آید که همواره نظری به مسئله جنگ و نظری به شرایط کودکان دارد.

۲- ۱. حضور در مبارزه با رژیم پهلوی

کودکی امین پور، با ناآرامی‌های اواخر دوران رژیم پهلوی همزمان بود و در آن روزها، مبارزات انقلابی مردم ایران، نمود بارزی داشت. در نثر ادبی «پیش از آفتاب» (بهار ۶۵) که با چاشنی طنز و شاعرانگی امین پور برمی‌خوریم، بیان ساده امور و به طور کل، فضا و زاویه نگاه کودکانه، بیشتر مؤثر می‌افتد. عبارات نمادین در نوشتار زیر، پیوندی با دوران تحصیلی نویسنده دارد به طوری که فهم خواننده از متن را با جملات ایهام‌آمیز به تعلیق و تحلیل می‌برد:

«پیش از آفتاب برخاستم ... بن بست شکوفه را پشت سر گذاشتم. مدت‌ها بود که منتظر حادثه‌ای بودم ... بچه‌ها قرار بود در مسجد خیابان پانزدهم منتظر باشند ... باید خودمان را به چهارراه بهار می‌رساندیم ... مردم شیشه‌های خاکستری بانک را شکسته بودند. بانک پر از شیشه‌خرده بود. یک نفر جلو رفت و گلی را در لوله تفنگ یک سرباز کاشت. سرباز شلیک کرد و گل پرپر شد.» (امین پور، ۱۳۸۶ ج: ۵۶-۵۵)

او در تب و تاب خاطره‌ها، به وضعیت تحصیلی خود و دوستانش، به عنوان یکی از عواقب اجتماعی و نتایج عقیدتی رویداد چنین اشاره می‌کند:

«جوی آب که با خون مردم رنگ دیگری گرفته بود، کتاب‌هایم را با خودش می‌برد. گفتم بگذار آنها را ببرد، چه قدر از این جغرافی بدم می‌آمد! همه‌اش شرق و غرب و شمال و جنوب بود، همه‌اش مناطق خشک و کویری. بگذار کویرها را آب ببرد.» (همان: ۵۶)

۲.۲. پایداری کودکان در برابر متجاوزان

تازه از زنجیر خود کامگان رسته بودیم که نیروهای بعثی عراق، در شهریور ماه سال ۱۳۵۹، ناگهان به خاک ایران حمله کردند. شاعر از هجوم خزان جنگ بر بهار انقلاب می گوید:

فصل گل بود و بهار/ فصل پر نقش و نگار/ باد بیرحم خزان/ ناگهان از سر دیوار پرید/ و بر این باغ وزید/ بهترین گل ها را/ از دل باغچه مدرسه چید/ چار گل، چار شهید/ همه مدرسه ما غم بود/ چار تا غنچه سرخ/ در دل باغچه ما کم بود. (امین پور، ۱۳۸۵: ج: ۲۶)

امین پور در شعر «مدرسه منهای چهار» (شهریور ماه ۱۳۶۳) به زبان کودکانه و شاعرانه و نیز با استفاده از نمادها، نیروهای بعثی را به متجاوزانی تشبیه می کند که دزدانه وارد سرزمین ما شدند و بی رحمانه، گل های نورسته این خاک را چیدند. او کودکان را به جان فشانی و انتقام از متجاوزان فرا می خواند و آنان را به مقاومت وامی دارد. امین پور تلویحاً به کودکان می آموزد که جنگ، بزرگ و کوچک نمی شناسد و همه را قربانی تجاوزات و وحشیگری های عاملانش می کند. و اینکه در این میان و میدان، همه باید سرباز میهن باشیم و شجاعانه در برابر دشمنان زمانه، چه با قلم و چه با تفنگ بایستیم:

من به خود می گفتم/ باید این مسئله را حل بکنیم/ حاصل مدرسه منهای چهار/ می شود مدرسه منهای هزار/ می شود مدرسه منهای بهار/ باید این مسئله را حل بکنیم/ من به دنبال قلم می گشتم/ پدرم نیز به دنبال تفنگش می گشت. (همان: ۲۶)

۳.۲. شهادت طلبی کودکان رزمنده

یکی از شاخص ترین مضامین ادبیات پایداری، شهادت است که در آن شهیدان را با نمادهایی چون غنچه، لاله و گل سرخ توصیف می کنند. شاعر نیز در رباعی زیر، شهیدان نوجوان را غنچه ای می داند و می نامد که خندیدن آنها، همانا پرپر شدن آنهاست و هم صدا با ندای الهی شهادت می سراید:

تو همچون غنچه‌های چیده بودی / که در پریر شدن خندیده بودی
مگر راز حیات جاودان را / تو از فهمیده‌ها فهمیده بودی؟
(امین پور، ۱۳۶۳: ۲۲)

فرهنگ شهادت‌طلبی، از روحیهٔ ایثارگرانهٔ ملتی بر می‌خیزد که ارزش‌هایش را در خطر می‌بیند و تا دفع کامل حملات، مجاهدت را ادامه خواهد داد. کودکان در شعر «حضور لاله‌ها»، گویی که به بلوغ حسّی رسیده‌اند و از اینجاست که شهادت‌طلبی در وجودشان چنین فراگیر شده است:

باز هم اول مهر آمده بود/ و معلم آرام/ اسم‌ها را می‌خواند:/ اصغر پورحسین! / پاسخ آمد- حاضر/ قاسم هاشمیان! / پاسخ آمد- حاضر/ اکبر لیلزاد... / پاسخش را کسی از جمع نداد/ بار دیگر هم خواند:/ اکبر لیلزاد! / ... / پاسخش را کسی از جمع نداد/ همه ساکت بودیم/ جای او اینجا بود/ اینک، اما تنها/ یک سبد لالهٔ سرخ/ در کنار ما بود/ لحظه‌ای بعد معلم سبد گل را دید/ شانه‌هایش لرزید/ همه ساکت بودیم/ ناگهان در دل خود زمزمه ای حس کردیم/ غنچه‌ای در دل ما می‌جوشید/ گل فریاد شکفت! / همه پاسخ دادیم/ حاضر! / ما همه اکبر لیلزادیم! (امین پور، ۱۳۸۵ ج: ۲۷-۲۸)

امین پور همچنین در «شبیّه، شبیه، شبیه» (۱۳۶۳) به شهادت کودکان در عاشورا و نمایش آن صحنه، نگاه ویژه‌ای دارد. کودکانی را وصف می‌کند که قد و قامتشان بسیار کوچک است اما آنچه را کوفیان دریافته بودند، یافته‌اند. او می‌نویسد: «بعد از قاسم طفلان زینب به میدان می‌روند کفن‌پوش ولی اینها که هنوز کودکنند! شمشیرهایشان به زمین می‌خورد.» (امین پور، ۱۳۶۵: ۱۱۶)

امین پور پس از جنگ و در شلوغی شهر و پشت «چراغ سبز» نیز به یادمان‌خاطرات جهاد و شهادت، لحظه‌ای در چهارراه می‌ایستد و به اندیشهٔ آن روزها فرو می‌رود و در مقام مقایسه می‌گوید: «در چنین چهارراه‌هایی، هیچ چراغ راهنمایی نیست به‌جز چراغی که در دل‌های ما روشن است.» او پس از تعریف انواع خیابان‌ها و تقاطع‌های زندگی، خواننده را به صحنهٔ پرخطر اما پر افتخار دفاع مردمی می‌برد و ما را از دستاوردهای آن آگاه می‌سازد؛ با این پرسش که: «در

چنین چهارراه‌هایی، اگر ناگهان چراغ قرمز خون، به علامت خطر روشن شود، آیا باید بایستیم و از رفتن بمانیم یا خطر کنیم و پیش برویم تا چراغ سبز را برای دیگران روشن کنیم؟» (امین پور، ۱۳۸۶: ج: ۶۳)

۴.۲. گمنامی شهدای کودک

امین پور «منظومه ظهر روز دهم» (شهریور ۶۴) را درباره رشادت‌های کودکی گمنام از جمع کودکان دلیر دشت کربلا، به قلم آورده است که به گفته‌اش، داستان کودکی تنهاست که شمشیر بلندش، کربلا را شخم می‌زد و آن را به شهید «جمشید افتخار» تقدیم کرده است. او در سرودن منظومه، از بن‌مایه‌های آیینی و عاشورایی بهره برده است و با وجود توجه به تجربه و دنیای کودکان قهرمان، رسالتی را بر دوش او و متعاقباً خوانندگان کودک و نوجوانان نهاده است که عبارت است از مبارزه در برابر ستمکاران و بددینان:

آسمان، مات و زمین، حیران / چشم‌ها از یکدگر پرسان: «کودک و میدان؟! / کار کودک خنده و بازی است! / در دل این کودک اما شوق جانبازی است! (امین پور، ۱۳۷۹: ۱۰)

تا جایی که معتقد می‌شود اگر تا کنون، پیران به کودکان درس داده اند، این کودک در دل میدان، به پیران درس دلاوری و شهادت آموخت و با گام‌های کودکانه در دل زمین کربلا، دانه مردانگی کاشت. (همان: ۱۳-۱۴)

امین پور همچنین در «نامه بی‌نشان» (۱۳۶۱)، داستان شهید قهرمان و شاگرد نوجوانی را بازگو می‌کند که بی‌سروصدا می‌آید و بی‌ادعا می‌رود. (امین پور، ۱۳۶۵: ۳۴) در حقیقت نامه بی‌نشانی او، به یاد شهید «محمد رضا حسنلو» نوشته شده است که به گفته‌اش، زندگی نامه همه شهیدان گمنام است. (همان: ۳۴) امین پور در آفریدن این متن و در سرتاسر مجموعه «طوفان در پراتنز»، کوشیده است تا زبان نثرش را به شعر نزدیک کند و در آن نامه چنین می‌نویسد:

«نام او را رضا بگیریم، نام پدرش را درد، و مادرش را محرومیت بنامیم! و اما من، معلم او نبودم و اگر هم چند روزی و به گونه ای بودم، حالا دیگر نیستیم. که اینک او معلم من است! و معلم ماست! و چه درسی به ما داد!» (همان: ۳۴)

امین پور در پاسخ به نامه‌اش می‌نویسد که درس و مدرسه را رها کردی و به مدرسه‌ای رفتی که قلمش تفنگ است. «مدرسه‌ای که نیمکتش سنگر است و خاکریزها هر کدام، یک امتحان! و آنجا برخلاف این مدرسه که در مواقع معینی امتحان داشتید، هر لحظه در حال امتحان هستید. همچنان که ما هم هر لحظه در امتحانیم. امتحانی که مردودی و قبولی دارد.» (همان: ۳۹-۴۰)

۵.۲. مظلومیت کودکان در جنگ

می‌توان گفت که از دیگر رسالت‌های ادبیات پایداری، بیان مظلومیتِ مردمان و رزمندگان است و به‌ویژه می‌تواند ترسیم همدلانه‌ای از رنج‌ها و جان‌سپاری زنان و کودکان بی‌دفاع باشد. نگاهی به صفحات تاریخ نشان می‌دهد که در حوادث خشونت‌باری چون جنگ، کودکان از دیگر اقشار جامعه، آسیب‌پذیرترند؛ چراکه به خاطر توان و تجربه‌اندک و نیز ازهم‌پاشیدگی احتمالی کانون خانواده، بی‌دفاع‌تر مانده‌اند.

امین پور در «شعری برای جنگ» (۱۳۵۹) فضای دهشت‌بار و غم‌زده نخستین ماه‌های جنگ تحمیلی را توصیف می‌کند؛ شیخون شبانه دشمن، حتی فرصت جیغ کشیدن را به مادران نمی‌دهد:

هر شب تمام ما/ با چشم‌های زلزده می‌بینیم/ عفریت مرگ را/ کابوس
آشنای شب کودکان شهر/ هر شب لباس واقعه می‌پوشد/ اینجا/ هر شام خاموشانه
به خود گفته ایم:/ شاید/ این شام، شام آخر ما باشد/ اینجا/ هر شام خاموشانه به
خود گفته ایم:/ امشب در خانه‌های خاکی خواب‌آلود/ جیغ کدام مادر بیدار
است/ که در گلو نیامده می‌خشکد؟ (امین پور، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۳)

او در بندی دیگر از این شعر بلند، کشتار بی‌رحمانه کودکان را روایت می‌کند. موشک‌های پی‌درپی دشمن، سرها و تن‌ها را متلاشی می‌کند، دخترکی با عروسکش خوابیده است اما غرقه در خون، به ابدیت می‌پیوندد، تن بی‌سر کودکی هراسان، به این سو و آن سو می‌رود. امین پور می‌گوید:

اما/ من از درون سینه خبر دارم/ از خانه‌های خونین/ از قصه عروسک خون‌آلود/
از انفجار مغز سری کوچک/ بر بالشی که مملو رؤیاهاست/ رؤیای کود کانه

شیرین / از آن شب سیاه / آن شب که در غبار / مردی به روی جوی خیابان / خم بود / با چشم‌های سرخ و هراسان / دنبال دست دیگر خود می‌گشت / باور کنید / من با دو چشم مات خودم دیدم / که کودکی ز ترس خطر تند می‌دوید / اما سری نداشت / لختی دگر به روی زمین غلتید / و ساعتی دگر / مردی خمیده‌پشت و شتابان / سر را به ترک‌بند دوچرخه / سوی مزار کودک خود می‌برد / چیزی درون سینه او کم بود... (همان: ۲۴-۲۵)

در چنین مواقعی، یعنی در خلال خرابی‌های جنگ، حملات هوایی، آواره شدن اهالی و دورافتادن کودکان از والدین، گفته می‌شود که روان‌پزشکان و مددکاران کودک، بهتر است هم با پیشگیری از آسیب یا جبران آن و هم با پژوهش و آموزش گسترده، بکوشند تا از شدت ضربات روانی بکاهند. (Freud, ۱۳: ۱۹۴۳, &) اما صد افسوس که در این میان، امین‌پور تنها می‌تواند برای شهر به جای سرود شادی، از «قصه جنگ» بگوید؛ قصه‌ای که ماجراهای تلخ اما واقعی - اش را از نگاه فروخته‌گردد کودک و دیدن عروسک خون‌آلوده اش می‌توان فهمید:

موسیقی شهر بانگ «رودارود» است / رقصه شهر، آتش است و دود است
بر خاک خرابه‌ها بخوان قصه جنگ / از چشم عروسکی که خون‌آلود است
(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۶۰)

چارلز جفرسون (Charles E. Jefferson) در بحبوحه جنگ جهانی اول، سخنرانی‌هایی را درباره آموزه‌های تلخ جنگ ایراد می‌کرد و جایی از سخنش درباره چیستی جنگ، توارداً شباهت عجیبی با رباعی فوق دارد. او گفته است که «موسیقی جنگ، ناله‌های مردان، هق‌هق زنان و فریادهای جانگداز کودکانی است که پدرانشان هرگز به خانه برنخواهند گشت.» (Jefferson, ۲۴, ۱۹۱۶)

۶.۲. وضعیت کودکان بی‌سرپرست

در جنگ‌ها، آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی بسیاری متوجه آدمیان می‌شود و آثار منفی آن، گاه تا نسل‌های بعد، دامن‌گیر جنگ‌زدگان می‌شود. بنا بر پژوهش‌ها، جنگ برای کودکان در سنین پایین، علاوه بر ناسازگاری

(Maladjustment) روانی و اجتماعی، ممکن است موجب کمبودهای غذایی، ویتامینی و در نتیجه، کژاندامی (Malformation) شود اما فراتر از این، ارضای نیازهای اساسی کودکان جنگ‌زده، از جمله تعلق خاطر خصوصی، استواری هیجانی و ثبات در نفوذ تربیتی، بسیار ضروری است. (Freud &, ۱۹۴۳: ۱۱)

امین پور در رباعی «همبازی» از مجموعه «در کوچه آفتاب»، تلویحاً طعم تلخ بی‌سرپرستی را برای زن و فرزند رزمندگان و نیز ناکامی جسمی و روانی ایشان را نشان می‌دهد و ناگواری‌های دوران و دنیای کودکان را چنین به تصویر می‌کشد:

امشب سر مهربان نخلی خم شد در کیسه نان بجای خرما غم شد
در خانه دور، بیوه‌ای شیون کرد همبازی کودک یتیمی گم شد

(امین پور، ۱۳۶۳: ۲۰)

در شعر «اتفاق ساده»، به‌درستی، یکی دیگر از تبعات جبران‌ناپذیر را که در اثر نبود سرپرست خانواده به بار می‌آید، با بیانی کودکانه و درددلی هنرمندانه، ترسیم می‌کند:

آن روز شیشه‌ها را باران و برف می‌شست
من مشق می‌نوشتم پروانه ظرف می‌شست
وقتی که نامه‌ات را مادر برای ما خواند
باران پشت شیشه آرام و بی‌صدا ماند

(امین پور، ۱۳۸۶: ۲۱)

البته باید توجه داشت که در این مواقع، درک کودکان از مرگ پدر، کمتر با استدلال همراه است و نگرش آنان به چنین مصیبت‌هایی، ماهیتی کاملاً عاطفی دارد. (Freud &, ۱۹۴۳: ۱۸)

امین پور نشان می‌دهد که مادر و دو فرزندش، در یک روز زمستانی به سر می‌برند اما جای پدر خالی است و به‌ناچار، مادر بار مضاعفی را با هم به دوش می‌کشد. فضا آکنده از انتظار است و نامه‌ای از پدر رسیده است. مادر خواندن نامه را آغاز می‌کند و نفس‌ها در سینه حبس می‌شود:

در آن نوشته به بودی حال تو خوب خوب است
گفتی که سنگر ما در جهه جنوب است

گفتی که ما همیشه در سایه خدایم
گفتی که ماقرار است این روزهایم
از شوق سطر آخر مادر بلند خندید
چشمان مهربانش برقی زد و درخشید
(همان: ۲۱-۲۲)

۲.۷. انتظار و دل‌تنگی کودکانه

در شعر «طرحی برای صلح (۱)»، می‌خوانیم که کودکی با مادرش زندگی می‌کند اما پدر حضور ندارد. به نظر می‌رسد که مادر، نان‌آور خانواده باشد. مادر که چای را تازه دم کرده است، گویی مهمانی در راه دارد. کودک در حیاط خانه و در جایی نزدیک به در، مشغول بازی است. کسی در را می‌کوبد. امین‌پور این انتظار نفس‌گیر را همچون فضاسازی یک نمایشنامه، چنین ترسیم می‌کند:

کودک / با گربه‌هایش در حیاط خانه بازی می‌کند / مادر، کنار چرخ خیاطی / آرام رفته در نخ سوزن / عطر بخار چای تازه / در خانه می‌پیچد / صدای در! - «شاید پدر!» (امین‌پور، ۱۳۸۶: ۱۶)

امین‌پور در شعر «آی گل‌ها چرا نمی‌خندید؟»، بی‌قراری کودک را برای آمدن پدر از جنگ چنین بیان می‌کند:

«پس پدر کی ز جبهه می‌آید؟»
گفت مادر به کودکش که «بهار،
باز کودک ز مادرش پرسید
گفت مادر که «هر زمان در باغ
روز دیگر سراغ باغچه رفت
دید لب بسته است غنچه هنوز
باز کودک ز مادرش پرسید
«کی بهار و شکوفه می‌آید؟»
غنچه‌ها و شکوفه‌ها که رسید
«کسی بهار و شکوفه می‌آید؟»
غنچه‌ها لب به خنده بگشاید
کودک ما به جست و جوی بهار
بر لب غنچه نیست بوی بهار

(امین‌پور، ۱۳۸۵: ج: ۱۶)

از آنجا که کودکان در سال‌های نخستین زندگی، مفهوم درستی از گذر زمان ندارند و به اقتضای شرایط رشد روانی، در خلوت اکنون خود زندگی می‌کنند،

کودک شعر امین پور نیز در چنان خلوت نفس گیری، با تمام وجود می کوشد که بر شتاب گذر زمان بیفزاید تا انتظارش هر چه زودتر به سر آید و پدر از راه برسد: گفت: «ای غنچه های خوب چرا لبتان را ز خنده می بندید؟ زودتر بشکفید و باز شوید آی گل ها چرا نمی خندید؟» (همان: ۱۷)

۳. برخورد کودکان با جنگ

در اینجا لازم است که به واکنش های روانی کودکان در قبال جنگ و مسائل مربوط توجه کنیم. روان شناسان و روان پزشکان در این باره پژوهش های ارزشمندی انجام داده اند؛ برای نمونه، گفته اند که نزد خردسالان، واژه هایی مانند «ارتش»، «نیروی دریایی» و «نیروی هوایی»، دلالت بر کشور بیگانه ای دارد که پدر به آنجا رفته است اما مهم تر از همه، «جنگ»، بر دوره ای از زمان دلالت دارد که او مجبور است، دور از والدینش بماند. (Freud &, ۱۹۴۳: ۱۸-۱۹) از این رو، عدم تطابق میان درک کودک و مسئله جنگ، امری طبیعی است که ذیلاً به آن می پردازیم.

۳.۱. جنگ و خودمیان بینی کودکان

خودمداری یا خودمیان بینی (Egocentrism)، از سازوکارهای روانی و دفاعی کودکان است؛ مبنی بر این فرض کودکانه که دیگران، دنیا را به روشی تجربه می کنند که من تجربه می کنم. (شعاری نژاد، ۱۳۷۵: ۱۳۵) امین پور در شعر «اتفاق ساده»، نشان می دهد که کودک در واکنش به امری نادلبخواه، به سرعت در دنیای خیال انگیز خود گام می گذارد و با رفتاری خودمدارانه، گویی طبیعت را با خود همسو می بیند. باران، مانند یکی از اعضای خانواده اش جان می گیرد و قلبش در پشت شیشه آرام می زند؛ باران هم منتظر است که سطر واپسین نامه، چه خبری از پدر کودک خواهد آورد.

یک قطره شبنم از گل	بر روی برگ غلتید
یک قطره روی شیشه	مثل تگرگ غلتید
یک قطره از دل من	بر روی دفتر افتاد

یک اتفاق ساده در چشم مادر افتاد
باران پشت شیشه آمد به خانه ما
آرام دست خود را می زد به شانه ما
(امین پور، ۱۳۸۶ ب: ۲۲)

چنین است که از شنیدن خبر سلامتی پدر و بازگشت او، همه غرق شادی می شوند: گل، باران، شیشه، مادر، همه اشک شوق می ریزند و باران با دلسوزی و مهربانی به خانواده دلداری می دهد و دست نوازش بر شانه شان می کشد. امین پور در شعر «آی گل ها چرا نمی خندید؟» علاوه بر تصویر کردن بی قراری کودکان برای رسیدن پدر، نشان می دهد که چگونه کودک به طور ناخودآگاه به عالم تخیلاتش فرو می رود و برای نمونه، غنچه ها را موجوداتی جاندار می پندارد و با آنها درد دل می کند؛ مگر بتواند با این کار، انتظارش را شیرین کند و اندکی آرام گیرد. او در پی گفته ی مادر، معصومانه از غنچه ها خواهش می کند و با دست های کودکان، گلبرگ های شان را نوازش می کند تا بشکفند و نوید رسیدن پدر را سر بدهند:

گاه با غنچه ها سخن می گفت گاه خواهش ز غنچه ها می کرد
گاه گلبرگ غنچه ای را نرم با سرانگشت خویش وا می کرد
(امین پور، ۱۳۸۵ ج: ۱۷)

۲.۳. بازی کودکان با جنگ

کودک به بازی نیاز دارد و بازی عامل مهمی در رشد جسمی و روانی کودکان به شمار می آید. روان پزشکان و روان شناسان عصبی نیز به منظور جبران کودکان آسیب دیده، از بازی درمانی (Play Therapy) بهره می برند و برای بهبود شرایط کودکان جنگ زده، فعالیت ها و بازی های گروهی را پیشنهاد می کنند؛ به طوری که جهان کودکی را برایشان معنادار کنند. (Webb, ۲۰۰۷, ۱۷۳-۱۷۴) البته کودکان ناخودآگاهانه، برای شناخت خود و پیرامون، به بازی تمایل دارند و برخی از آن بازی ها ممکن است تقلیدی یا تأثیر پذیرفته از اعمال بزرگسالان باشد. امین پور در شعر «بال های کودکی»، ابتدا به مرور روزهای خوش کودکی می پردازد:

روزهای خوب و بازی‌های خوب
روزهای خوب و بازی‌های خوب
در هوای گرم شب‌های جنوب
در هوای گرم شب‌های جنوب
از سر خرمن به سوی کاهدان
از سر خرمن به سوی کاهدان
کھکشانان دیده می‌شد در زمین
کھکشانان دیده می‌شد در زمین
(امین پور، ۱۳۸۶: ۵۲)

و در این شعر که به همبازی‌های خوب دیروزی‌اش، بچه‌های گتوند خوزستان، تقدیم کرده است، از حس گنگ اما آشنای کودکی یاد می‌کند که چگونه با آن، سفره دلش را کودکانه گشوده است. از همه آنچه بر او و دوستانش گذشته است، می‌گوید و به ناچار، به مسئله جنگ برمی‌خورد:

توی خرمن جای خاکی کیف داشت
توی خرمن جای خاکی کیف داشت
بازی پرتاب «توپ آتشی»
بازی پرتاب «توپ آتشی»
جنگ با «تیر و کمان‌های کشی»
جنگ با «تیر و کمان‌های کشی»
(همان: ۵۵)

اما مگر کلمات تیر و توپ و آتش می‌گذارند! ذهن کودکی‌اش آشفته از تجاوز و حمله است. ذهن شاعر، برای رهایی از یادآوری درد، به سرخوشی‌ها و بازی‌های کودکی پناه می‌برد و در یک لحظه، به مقایسه رقابت‌های کودکانه و بی‌دوز و کلک آن روزها با جدال‌های ویرانگر و کینه‌توزانه بلوغ آدمیان (؟) می‌نشیند. به فکرش می‌رسد که چه خوب بود اگر همگان، چنان جنگ‌های خیالی و کودکانه‌ای را ادامه می‌دادند تا این جنگ‌های واقعی و وحشیانه را:

جنگ مردان مثل جنگ واقعی
جنگ مردان مثل جنگ واقعی
جنگ ما مانند «جنگ زرگری»
جنگ ما مانند «جنگ زرگری»
مرگ ما یک چشم بستن بود و بس
مرگ ما یک چشم بستن بود و بس
هفت تیر چوبی ما بی‌صدا
هفت تیر چوبی ما بی‌صدا
جنگ با سنگ و تفنگ و چوب بود
جنگ با سنگ و تفنگ و چوب بود
گرچه پر آشوب اما خوب بود
گرچه پر آشوب اما خوب بود
خون ما در جنگ‌ها بی‌رنگ بود
خون ما در جنگ‌ها بی‌رنگ بود
اسب‌های چوبی ما لنگ بود
اسب‌های چوبی ما لنگ بود
(همان: ۵۵)

۳.۳. نگاه کودکانه به جنگ

کارنامه حرفه‌ای، هنری و پژوهشی امین پور نشان می‌دهد که به نزدیکی دو جهان شاعرانه و کودکانه، باور عمیقی داشته است. امین پور در کتاب «شعر و

کودکی»، برای پاسخ دادن به این پرسش که آیا شعر، نوعی بازگشت به کودکی است؟ می‌کوشد تا به منظور رسیدن به شناختی ساده‌تر از شعر، با شیوه‌ای تطبیقی- ادبی- روان‌شناختی، به ویژگی‌های دوران کودکی برگردد؛ «با این فرض که شعر و کودکی، دو خانه قرینه و همانند و همسایه دیوار به دیوارند، یا اصلاً دیواری در کنار نیست.» (امین‌پور، ۱۳۸۵ الف: ۱۱) او بر اساس پژوهش‌های ژان پیاژه (Jean Piaget)، چند ویژگی مهم و محوری تفکر و رفتار کودک، از جمله خودمیان‌بینی، جاندارپنداری، بازی‌ها و زبان را در دیوان‌ها و دفترهای شاعران دنبال کرده است. تعریف ناخودآگاهانه او از شعر نیز چندان از تعریف کودکانه فوق دور نیست. در جایی، خواننده‌ای از او پرسید که «لحظه شعر گفتن چگونه است؟» و او با توصیفات ملموس و زودیاب، به سادگی هرچه تمام‌تر در جواب گفت:

من که غیر از دلی ساده و صاف	در جهان هیچ چیزی ندارم
مثل آینه گاهی دلم را	روبروی شما می‌گذارم
دست‌های پر از خالی‌ام را	پیش روی همه می‌تکام
چکه چکه تمام دلم را	در دل بچه‌ها می‌چکام

(امین‌پور، ۱۳۷۰: ۱۵)

از این منظر، کودک و شاعر در نگاه به مسائل هستی، بسیار نزدیک به هم عمل می‌کنند و رویکردی آزادمنشانه و خودمحوارانه دارند. می‌توان گفت که شاعر، کودکی است که جهان را و زبان جهان را به بازی می‌گیرد و کودک، شاعری است که نادانسته از هر چیز و هر کس، آنچه را می‌خواهد، می‌بیند. اگرچه این دو به ظاهر یکی‌اند، تفاوت عمیقی در ماهیت دو رویکرد، مشهود است. جهان شاعرانه کودک، ذاتاً امری ناخودآگاه و جهان کودکانه شاعر، مفهومی خودآگاه است؛ از این‌روست که گویی شاعر، کودکی‌اش را چون گوهری در صدف، از آسیب روزگار، دور نگه می‌دارد تا به هرچه ناخوشایند، آن‌چنان که دوست دارد، بنگرد.

امین‌پور همان‌طور که نگاه کودکانه خود را به شعر نشان داد، نگاه کودکانه خود را به جنگ نیز، به‌ویژه در شعرهایش بازتابانده است. امین‌پور با سرودن

«ترانه‌ای برای آشتی»، در دلِ کودکان و نوجوانان آینده، بذری آشتی و دوستی می‌افشاند و به این باور می‌رسد که جنگ و صلح، از دل‌های بسته و باز آدمیان خیر می‌دهد و می‌گوید:

چه می‌شد اگر مثل پروانه‌ها	کمی دست و پای دلت باز بود
به هر جا دلت خواست سر می‌زدی	از این خاک امکان پرواز بود
اگر باخبر بودی از آسمان	به روی زمین این خبرها نبود
اگر خانه پر بود از پنجره	نیازی به این قفل و درها نبود

(امین پور، ۱۳۸۶: ۳۱)

این دریافت علی‌امین پور از جنگ، همسو با نکته محوری در پژوهش ادوارد گلوور (Edward Glover) و به طور مشخص در کتاب «جنگ، آزارگری و صلح‌طلبی» است که عامل فردی و جمعی جنگ و خشونت را در برخورد ناخودآگاهانه ذهن با موضوع می‌کاود و اینکه، اگرچه رویه آن مسائل اقتصادی است، ناخودآگاهانه برآمده از حس آزارگری و خودآزاری است. (Glover, ۱۳: ۱۹۴۷) او نیز، صلح و جنگ اجتماعی را با حالات روانی و فردی بشر مرتبط دانسته بود. (آریان پور، ۱۳۵۷: ۷۰) امین پور نه تنها از کوچک‌ترها بلکه از انسان‌های غول‌صفت و متجاوز می‌گوید که «شاخ و دم» به آسمان و زمین نشان و تکان می‌دهند و در واقع، با شاخ تعرض خود، دیگران را زخمی می‌کنند و یا برای اشغال‌گری‌هاشان، به هر وجه از خاک دیگران دم‌درازی می‌کنند، با لحنی تند می‌پرسد:

تمام زمین جای جولان توست	بگو جا برای تو تنگ است باز؟
نه تنها زمین، آسمان مال توست	نیازی به شمشیر و جنگ است باز؟

(امین پور، ۱۳۸۶: ۳۲)

شبییه همین تصویر کودکانه و البته روان‌کاوانه از جنگ و جنگ‌طلبان، در نقدی بر کتاب گلوور، توسط اس.ام. کلمن ترسیم شده است. کلمن در روان‌کاوی جنگ‌طلبان، بر انگیزه غیرعقلانی و ناخودآگاهانه‌ای که گلوور پیش نهاده بود، چنین افزوده است که آنان همچون دایناسورهایی از دوران کرتاسه و ژوراسیک

هستند؛ از این روست که بی دلیل، از آن موجوداتِ بالفطره خشن می‌هراسیم.
(Coleman, ۱۹۴۸: ۴۶۶)

امین‌پور در شعر «روز ناگزیر» (۱۳۶۷-۱۳۷۱)، دربارهٔ ویژگی‌های آن روزهای خوب که خواهد آمد، سرانجام از آرمان‌هایش چنین پرده برداشته و آرزوهایش را در دستان معصوم کودکان یافته است:
و خواب در دهان مسلسل‌ها/ خمیازه می‌کشد/ و کفش‌های کهنهٔ سربازی/
در کنج موزه‌های قدیمی/ با تار عنکبوت گره می‌خورند/ روزی که توپ‌ها/ در دست کودکان/ از باد پر شوند. (امین‌پور، ۱۳۸۶ الف: ۱۲-۱۳)

۴. ارزیابی صوری و محتوایی سخن امین‌پور در بیان مسئله

نکتهٔ جالب در نسبت میان جنگ و کودکی، آن‌که به نظر می‌رسد امین‌پور بر اثر تجربهٔ مستقیم جنگ تحمیلی در دوران خردسالی، ناخودآگاهانه دو مفهوم را در مجاورت با هم، در شبکهٔ تداعی‌های شاعرانه و هنرمندانه‌اش می‌نشانده؛ به طوری که گویی یکدیگر را به یاد می‌آورند.

۴. ۱. شگردهای ادبی گزاره‌ها

امین‌پور از شگردهای صوری و زیورهای ادبی برای بیان مضمون، به خوبی بهره گرفته است. پرداختن به شگردهای ادبی امین‌پور، کاری مستقل را طلب می‌کند، اما در اینجا به نمونه‌های برگزیده از سخن او در بیان نسبت میان جنگ و کودکی اکتفا می‌کنیم. در بعد موسیقی سخن، از تناسب‌های پی‌درپی میان مصطلحات بازی و تحصیل کودکان، مانند مسئله، منها، ضرب و ... نمونه‌ها فراوان است. آهنگ جناس نیز بعضاً شنیده می‌شود؛ مثلاً در همجواری کلمات بازی و جانبازی:
کارِ کودک خنده و بازی است! / در دل این کودک اما شوق جانبازی است!
(امین‌پور، ۱۳۷۹: ۱۰)

امین‌پور آرایهٔ ایهام را در خیال‌بندی‌های موضوع، به ویژه در نشان دادن تقابل دو مفهوم، بسیار مؤثر به کار گرفته است؛ مانند کاربرد ایهامی فهمیده در رباعی یادشده و نیز رضا در قطعهٔ زیر:

«نام او را رضا بگیریم، نام پدرش را درد» (امین پور، ۱۳۶۵: ۳۴)

او در مواقعی و به منظور خاصی، با ترکیب ایهام و کنایه، از صراحت سخن خود می‌کاهد اما بر چاشنی طنز آن می‌افزاید؛ مثلاً: روزی که توپ‌ها/ در دست کودکان/ از باد پر شوند. (امین پور، ۱۳۸۶ الف: ۱۳) کنایه و طنز در قطعات نثر نوجوانانه مجموعه «بی‌بال پریدن»، با نمادهای شاعرانه مؤلف در هم آمیخته است. علاوه بر نمادپردازی انواع تشبیه، استعاره نیز در بیان مسئله به کار رفته است. از دیگر خیال‌بندی‌های امین پور که غالباً در برخورد های کودکانه با مسئله جنگ به کار رفته است، جان‌بخشی است؛ برای نمونه، شاعر از بهار دیررس می‌پرسد که: تو دلت نمی‌خواهد دست در دست فروردین به نماز جمعه بروی و قلکی را در میان دو دست کودکانه، پر از بهار کنی؟ تو فکر می‌کنی اگر به سراغ مهاجرین جنگی بروی، تو را می‌شناسند؟ (امین پور، ۱۳۶۵: ۱۹) و یا بارانی را ترسیم می‌کند که از پشت شیشه، آرام دست خود را به نشانه همدردی، به‌شانه کودک و خانواده‌اش می‌زند.

می‌توان گزاره‌ها را از منظر هنجارگریزی نیز بررسی کرد. نمونه‌ای که بر اثر تجربه محیطی و کودکی مؤلف پدید آمده است، مانند عبارت دوزبازی، نوعی از هنجارگریزی گویشی به شمار می‌رود؛ و نیز «قصه یا قصه کردن» که علاوه بر تداعی معنای متداول، در گویش دزفولی به معنای «سخن یا سخن گفتن» کاربرد دارد و سخن امین پور، هم‌زمان، می‌تواند موهم هر دو معنا باشد. این کاربرد در ترکیب «قصه عروسک خون‌آلود» و نیز بیت زیر، به‌زیبایی مشهود است:

بر خاک خرابه‌ها بخوان قصه جنگ از چشم عروسکی که خون‌آلود است
(امین پور، ۱۳۶۳، ۶۰)

۴. ۲. تنوع مضمونی گزاره‌ها

مضامین آثار امین پور برای بیان نسبت میان جنگ و کودکی، ابعاد گوناگون از خانواده تا اجتماع را دربرمی‌گیرد. اگر از مضامین بزرگسالانه او بگذریم، برای مخاطب کوچکترش نیز انواع مضامین را به شیوه وصفی، تمثیلی، رفتاری و آموزشی در این باره آفریده است. (ر. ک: کیانوش، ۱۳۷۹: ۱۰۴-۱۱۹) او در بیان

برخوردهای جنگ با دنیای کودکان و عواقب جنگ زدگی، به آشفتگی روحی، انتظار برای پایان، بی‌سرپرستی، جای خالی همبازیان و هم‌شاگردی‌ها و ... به عنوان مسئله‌ای حل‌نشده اشاره می‌کند چراکه پیشتر از اینها کودکان در کوچه و خرمن، توپ‌بازی و دوزبازی می‌کردند اما اکنون، این توپ و تانک است که آنان را به بازی می‌گیرد. او از بُعد اجتماعی و فرهنگی، به مسائلی همچون بی‌سرپرستی (امین‌پور، ۱۳۸۵: ۱۷)، نیاز مالی خانواده (همان، ۱۳۸۶: ۱۶) و ناآرامی و از هم‌گسیختگی نظم خانواده و اجتماع (همان، ۱۳۸۳: ۱۴۳) اشاره می‌کند و از مسائل حقوقی و سیاسی آن، همچون جرائم جنگی متجاوزان (همان، ۱۳۸۳: ۱۴۳)، کشتار غیرنظامیان (همان، ۱۳۸۳: ۲۴-۲۵) و حقوق کودکان (همان، ۱۳۸۵: ۲۶) غافل نیست. اما امین‌پور در آثار خود، بیش از همه، نشان داد که نگران مسائل روانی و تربیتی کودکان، از جمله توجه به رویاهای کودکانه (همان، ۱۳۸۳: ۱۴۴)، نیاز عاطفی (همان، ۱۳۸۵: ۱۷)، (همان، ۱۳۸۶: ۲۱) و گرمی‌کانون خانواده است. (همان، ۱۳۸۶: ۱۶)

امین‌پور در بیان برخورد کودکان با مسئله جنگ، همچون پژوهشگری ریزین، به مسئله پرداخته است و در دلآوری‌ها، به فرایندهای ذهنی کودکانه از جمله تصورات، تنفر و کابوس توجه دارد. او به منظور تنوع‌یابی، از مضامین گوناگون استفاده کرده است؛ مثلاً در شعر «آی گل‌ها چرا نمی‌خندید؟»، «اتفاق ساده» و «ظهر روز دهم» که در آنها اساس شعر بر روایت یا وصف استوار است و مضمون کلی آنها، تربیتی و اخلاقی است.

مضامین عاشورایی نیز در ادب پایداری‌اش، به وفور دیده می‌شود. با دقت در نخستین آثار امین‌پور، به‌ویژه در دفترهای «تنفس صبح» و «در کوچه آفتاب» (۱۳۵۷-۱۳۶۲)، به نظر می‌رسد که مقصود خود را تمثیلی بیان می‌کند؛ مثلاً مقصود او از «آفتاب»، انقلاب اسلامی ایران است که در آنها از مبارزه با رژیم پهلوی و تحولات آغازین سال‌های انقلاب و جنگ، سخن گفته است و افزون بر تقابل‌های نمادین شب و روز، برآمدن آفتاب را کراراً با فرارسیدن بهار (نمادهای انقلابی)، همزمان و همسو دانسته است. (ر. ک: شعرهای «چشم روشنی» و «قانون

بهار» (امین پور، ۱۳۸۵: ۱۲ و ۱۵) در آثار یادشده، می‌توان رویکردهای اعتقادی و انقلابی مؤلف را نسبت به تعامل دو مفهوم مورد بحث دنبال نمود. اگر بخواهیم نمونه‌ها را در روند شاعری امین پور، تحلیل گفتمانی کنیم، سوییۀ سخن او از دعوت به برخورد، به هشدار نسبت به چنان برخوردی گرایش دارد و از تبیین ایدئولوژیک، به آسیب‌شناسی مسئله رسیده است. در مجموع، بررسی نحوه بیان و معانی گزاره‌های ادبی امین پور نشان می‌دهد که او غالباً در آثار اولیه از باید و نیایدهای جنگ و در آثار بعدی، از چرایی‌های جنگ سخن گفته است. می‌توان کاربردشناسی جملات التزامی یا پرسشی را که در مجموعه‌های متعددش برای بیان موضوع به کار گرفته است، مثلاً در دو نمونه «شعری برای جنگ» (۱۳۵۹) و «طرحی برای صلح» (۱۳۸۰-۱۳۸۴)، بررسی نمود.

۵. نتیجه

مجموع نظر و هنر امین پور در بیان نسبت‌های میان جنگ و کودکی، بسیار چشمگیر و از لحاظ مفهومی به هم مرتبط است. مؤلف در بیان برخورد جنگ با کودکان، از عواطف انسان‌گرایانه‌ای به منظور تبیین آسیب‌ها بهره برده است و از سوی دیگر، در بیان برخورد کودکان با مسئله جنگ، همچون پژوهشگری ریزین، به نمودهای حاصل از مسئله پرداخته است.

از تحلیل محتوای گزاره‌های امین پور در باب برخورد دوسوییۀ جنگ و کودکی، چنین به نظر می‌رسد که او در آثار اولیه، به‌ویژه در نوشته‌های دوران جنگ تحمیلی، برای زنان و کودکان سرزمینش، رسالتی با توجه به جنگ و جهاد و دفاع و پایداری در نظر گرفته است؛ در حالی که در آثار متأخرش، به‌ویژه آثار پس از صلح و سازندگی، برای جنگ و مبارزه، رسالتی را با توجه به سرنوشت زنان و کودکان بی‌دفاع، مفروض داشته است. امین پور در سروده‌های متأخرش، به چرایی مسئله و تأملات فلسفی درباره مسئله روی آورده است.

او علاوه بر ترسیم و تحلیل شرایط کودکان در جنگ، عملاً حمایت‌زبانی و همدردی هنرمندانه خود را نصیبشان کرده است که از جهت ارتباط مضامین با

موضوعات بیرون و نیز نحوه پرورش معانی، بسیار هنرمندانه و مؤثر افتاده است. امین پور پیوسته نشان داده است که جدای از قطع نامه‌ها و فتح نامه‌ها، آن چنان نگران کودک انسان است که در کنار روایت پایداری‌ها و دلآوری‌ها، از بیان نیازها و آزردهی‌های آنان غافل نمی‌شود.

یادداشت‌ها

۱. برای نمونه بنگرید به: فتاحی، حسین، (۱۳۸۸)، عشق سال‌های جنگ، تهران: نشر قدیانی. سیمای جنگ در آثار کودکان و نوجوانان، (۱۳۶۵)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر پژوهش‌ها و برنامه ریزی فرهنگی. حداد، حسین (گردآورنده)، (۱۳۷۵)، دارا انار دارد: منتخب آثار جنگ کودکان و نوجوانان، چاپ اول، تهران: حوزه هنری. حداد، حسین، (۱۳۷۴)، «فرهنگ داستان‌نویسان جنگ کودکان و نوجوانان»، پویش، شماره ۵. محمدی، مهدی (۱۳۷۶) «بررسی داستان‌های جنگ ایران و عراق، نوشته شده برای کودکان و نوجوانان»، ادبیات داستانی، سال پنجم، شماره ۴۴.

۲. Lathey, G. (۱۹۹۹). Other Sides of the Story: War in Translated Children's Fiction. Signal, ۸۸, ۴۸-۵۸. Fox, C. (۲۰۰۱). Conflicting Fiction: National Identity in English Children's Literature about War. In M. Meek (Ed.), Children's Literature and National Identity. Trentham Books: Staffordshire. Hope, J. (۲۰۰۸). One Day We Had to Run: The Development of the Refugee Identity in Children's Literature and its Function in Education. Children's Literature in Education. ۳۹:۲۹۵-۳۰۴.

۳. C.f. Brown, M. W. (۱۹۱۸). Neuropsychiatry and the War. Ed. F. E. Williams, The National Committee for Mental Hygiene. Ferenczi, S. *et al* (۱۹۲۱). Psychoanalysis and the War Neurosis. London, Vienna, New York: The International Psycho-Analytic Press. Mark, A. M. (۱۹۴۳). A Social Psychology of War and Peace. Yale University Press. New Haven, Conn. Jensen, P. S., & Shaw, J. (۱۹۹۳). Children as Victims of War: Current Knowledge and Future Research Needs. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, ۳۲, ۶۹۷-۷۰۸. Jones, F. D. *at al.* (۱۹۹۵) War Psychiatry (Textbooks of Military Medicine). Borden Institute. Jordans, M. J. D. *et al* (۲۰۰۹). Systematic Review of Evidence and Treatment Approaches: Psychosocial and Mental Health Care for Children in War. *Child and Adolescent Mental Health*, ۱۴ (۱), ۲-۱۴.
۴. Pynoos R. (۱۹۸۷). Life Threat and Post-traumatic Stress in School-age Children. *Arch Gen Psychiatry*; ۴۴:۱۰۵۷-۱۰۶۳. Chimienti G, & (۱۹۸۹). Children's Reaction to War-related Stress. *Soc Psychol Psychiatr Epidemiol*; ۲۴: ۲۸۲-۲۸۷. Macksoud, Mona S., (۱۹۹۲). Assessing War Trauma in Children: A Case Study of Lebanese

- Children, *Journal of Refugee Studies* ۵(۱): ۱-۱۵.
- Goldstein, R. D., et al (۱۹۹۷). War Experiences and Distress Symptoms of Bosnian Children. *Pediatrics*, ۱۰۰, ۸۷۳-۸۷۸.
- Husain, S. A. et al (۱۹۹۸). Stress Reactions of Children and Adolescents in War and Siege Conditions. *Am J Psychiatry* ۱۵۵:۱۲, ۱۷۱۸- ۱۷۱۹.
- Thabet, A. & Vostanis, P. (۱۹۹۹). Post-traumatic Stress Reactions in Children at War. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, ۴۰, ۳۸۵-۳۹۱.
- Schlesinger-Kipp, G. (۲۰۰۷). Childhood in World War II: German Psychoanalysts Remember. *J. Amer. Acad. Psychoanal.*, ۳۵:۵۴۱-۵۵.
- Kuwert, P, et al (۲۰۰۷). Sixty Years Later: Post-traumatic Stress Symptoms and Current Psychopathology in Former German Children of World War II. *Internat Psychogeriatrics* ۱۹, ۷۸۲ - ۷۸۴.
۵. David, K. (۱۹۹۳). *A Child's War: World War II Through the Eyes of Children*. Marten, J. and Coles, R (۲۰۰۲). *Children and War: A Historical Anthology*. Agnew, K. and Fox, G. (۲۰۰۱). *Children at War*. London: Continuum.
- Yule, W. (۲۰۰۲). Shaw, J. A. (۲۰۰۳). *Children Exposed to War/Terrorism*. *Clinical Child and Family Psychology Review*, Vol. ۶, No. ۴. Goodman, S.

(۲۰۰۵). Children of War: The Second World War Through the Eyes of a Generation.

۶. برای نمونه بنگرید به: شریفی، ونداد. (۱۳۸۶) بررسی وضعیت پژوهش‌های کشور در زمینه عوارض روانی ناشی از جنگ: یک مطالعه علم‌سنجی، چهارمین سمپوزیوم پیشگیری و درمان عوارض عصبی‌روانی ناشی از جنگ، تهران. نوربالا، احمدعلی. (۱۳۸۱) اختلالات روان‌پزشکی پس از جنگ در ایران، طب نظامی، ش ۴، ۲۵۷-۲۶۰. شعبانی، امیر. (۱۳۸۸) اختلال استرس پس از جنگ در ادبیات پژوهشی ایران، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال ۱۵، ش ۴، ۳۲۳-۳۲۶.

۷. برای نمونه بنگرید: مسائلی، مسعود و. (۱۳۷۳) جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی، تهران. روسو، شارل. (۱۳۶۹) حقوق مخاصمات مسلحانه، جلد اول، ترجمه سیدعلی هنجی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، تهران.

۸. Martin, D. (۲۰۰۴). Religion: Peace, War, and Violence. International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, Pp. ۱۳۰۹۰-۱۳۰۹۳.
- Fischer, D. M. (۲۰۰۸). Economics of War and Peace, Overview. Encyclopedia of Violence, Peace, & Conflict, Pp. ۶۶۰-۶۷۲.
- Joas, H. (۲۰۰۸). Social Theorizing About War and Peace. Encyclopedia of Violence, Peace, & Conflict. Pp. ۱۹۶۳-۱۹۷۰.

۹. «و کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندارید، بلکه زنده‌اند و روزی پروردگار ارزانی ایشان است» (آل عمران/۱۶۹)

۱۰. تدریس در مدرسه راهنمایی (۱۳۶۰-۱۳۶۲)، دبیری شعر هفته‌نامه سروش (۱۳۶۰-۱۳۷۱)، سردبیری ماهنامه ادبی-هنری سروش نوجوان (۱۳۶۷-۱۳۸۳)، کسب جایزه جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به خاطر انتشار «منظومه ظهر روز دهم» و «به قول پرستو» و نیز دریافت تندیس ماه طلایی در زمینه شعر کودک و نوجوان.

۱۱. Sadism
۱۲. Masochism
۱۳. Rights of the Child
۱۴. Pragmatics

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آریان‌پور، امیرحسین، ۱۳۵۷، فرویدیسیم با اشارتی به ادبیات و عرفان، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۳. امین‌پور، قیصر، ۱۳۶۳، در کوچه آفتاب، تهران: حوزه هنری، چاپ اول.
۴.، ۱۳۶۵، طوفان در پرائتز، تهران: برگ، چاپ اول.
۵.، ۱۳۷۹، منظومه ظهر روز دهم، نقاشی پروین ناصری، تهران: سروش، چاپ دوم.
۶.، ۱۳۸۲، گزینۀ اشعار، تهران: مروارید، چاپ ششم.
۷.، ۱۳۸۳، تنفس صبح، تهران: سروش، چاپ چهارم.
۸.، ۱۳۸۵ الف، شعر و کودکی، تهران: انتشارات مروارید، چاپ اول.
۹.، ۱۳۸۵ ب، گل‌ها همه آفتابگردان‌اند، تهران: مروارید، چاپ هفتم.
۱۰.، ۱۳۸۵ ج، مثل چشمه، مثل رود، تهران: سروش، چاپ چهارم.
۱۱.، ۱۳۸۶ الف، آینه‌های ناگهان، تهران: مروارید، چاپ دهم.
۱۲.، ۱۳۸۶ ب، به قول پرستو، تصویرگری کبری ابراهیمی، تهران: افق، چاپ اول.
۱۳.، ۱۳۸۶ ج، بی‌بال پریدن، طراحی متن از هادی فرهادی، تهران: افق، چاپ هشتم.

۱۴.، ۱۳۸۶، **دستور زبان عشق**، تهران: مروارید، چاپ دوم.
۱۵. شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۷۵، **فرهنگ علوم رفتاری**، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
۱۶. شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۸۵، **ادبیات کودکان**، تهران: اطلاعات، چاپ بیست و چهارم.
۱۷. کیانوش، محمود، ۱۳۷۹، **شعر کودک در ایران**، تهران: آگاه، چاپ سوم.
۱۸. می‌یر، پیتر، ۱۳۷۶، **جامعه‌شناسی جنگ و ارتش**، ترجمه محمدصادق مهدوی و علیرضا ازغدی، تهران: قومس، چاپ چهارم.
- مقاله‌ها
۱۹. امین پور، قیصر، ۱۳۷۰، «**حرف‌های خودمانی**»، سروش نوجوان، شماره ۳۷، فروردین، ص ۱۴-۱۵.
۲۰. رجب‌زاده، شهرام، ۱۳۸۱، «**ده نکته درباره شعرهای نوجوانانه قیصر امین پور**»، پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۲۸، صص ۱۵۲-۱۶۵.
۲۱. رحمان‌دوست، مصطفی (گفت‌وگو)، ۱۳۸۶، «**پیرمردی ۴۰ ساله بر پله‌های سروش**»، محمدحسین بدری، راه (ماهنامه جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی)، پیش‌شماره، دی ماه ۱۳۸۶، ص ۴۳.
۲۲. قاسم‌زاده، فاطمه، ۱۳۸۱، «**پیمان جهانی حقوق کودک**». عشق سوم: مجموعه مقالات تخصصی پیرامون مسائل کودکان و نوجوانان، به کوشش چیستا یثربی، ج ۱، تهران: نشر نامیرا.

منابع غیرفارسی

۲۳. Brown, M. W., (۱۹۱۸), **Neuropsychiatry and the War**, Ed. F. E. Williams, The National Committee for Mental Hygiene.
۲۴. Coleman, S. M., (۱۹۴۸), **War, Sadism and Pacifism** (By Edward Glover, M.D. London: George Allen & Unwin, Ltd., ۱۹۴۷), *Journal of Mental Science*, April, ۹۴: p ۴۶۶.
۲۵. Flugel J. C., (۱۹۴۷), **Population, Psychology, and Peace**, Introduced by C. E. M. Joad, First Published, London: Watts & Co.
۲۶. Freud, A., & Burlingham, D. T., (۱۹۴۳), **War and Children**, New York: Medical war books.

۲۷. Glover, E., (۱۹۴۷), **War, Sadism and Pacifism: Further Essays on Group Psychology and War**, London: George Allen & Unwin, Ltd.

۲۸. Jefferson, C. E., (۱۹۱۶), **What the War Is Teaching**, New York: Fleming H. Revell Company.

۲۹. Paton, S., (۱۹۲۰), **Education in War and Peace**, New York: Paul B. Hoeber.

۳۰. Read, C. S., (۱۹۲۰), **Military Psychiatry in Peace and War**, London: H. K. Lewis and Co. Ltd.

۳۱. Webb, N. B. & L. C. Terr (Ed.), (۲۰۰۷), **Play Therapy with Children in Crisis: Individual, Group, and Family Treatment**, Third Edition, New York: The Guilford Press.

Archive of SID